

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی

## عناصر اربعه در شعر مولانا

استاد راهنما:

حیدر قلی زاده

استاد مشاور:

رحمان مشتاق مهر

پژوهشگر:

مادح علی اقدم

بهمن/۱۳۹۲

تبریز / ایران

تقدیم به :

- پدر و مادر مهربانم که هر لحظه وجودم را از چشمه سار پر از عشق

چشمانشان سیراب می کنند.

- روح پاک برادرم که دیگر در میانمان نیست اما یادش همیشه در خاطرم

جاویدان و عشقش همیشه در دلم فروزان است.

- یار مهربانی که یار شاطر بود نه بار خاطر.

## تقدیر و تشکر:

شکر بی‌شمار و حمد بی‌حدّ و حصار بر حضرت نورالانوار که وجود انسان را به نور عقل پیراست و دل را با نور حضرت خود، آراست که به وسیلت آنان در کسب نور بصیرت بکوشد تا به سعی خود شراب معرفت حق را بنوشد. و سلام و درود جاودانه بر حضرت رسول اکرم (ص) و خاندان او باد که نورش ظلمت سوز و آتش عشقش، انسان ساز است.

حال که برهه‌ای از دوران تحصیل این جانب در شرف پایان است، بر خود فرض می‌دانم موافق فرمایش حضرت ختمی مرتبت، آن‌جا که فرمودند « مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ » از همه بزرگواران و اساتید محترم دانشگاه شهید مدنی آذربایجان که در دوران تحصیل افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ام و از دانش و سجایای ستوده ایشان بهره‌مند گشته‌ام، سپاسگزاری نمایم. از جناب آقای دکتر حیدر قلی زاده که با بزرگواری و فروتنی بی‌نظیر خود، همواره مرا مدیون راهنمایی‌های خود کرده‌اند، نهایت سپاسگزاری را دارم.

بی‌گمان از نمی‌نمود تابش انوار حضرتش این گل گلستان را نبود به بار فرصتش بی‌شک، اگر یاری ایشان نبود، این رساله به بار نمی‌نشست و گلهای این گلستان، افتخار منظور نظر فرهیختگان بوستان معرفت گشتن را پیدا نمی‌کردند.

از جناب آقای دکتر رحمان مشتاق مهر که به رغم مسؤلیت و مشغله فراوانشان، همواره بنده را مورد لطف و عنایت خود قرا داده‌اند و مشاوره این رساله را برعهده گرفتند و در به ثمر رساندن این میوه مبارک و شیرین، نهایت اهتمام را مبذول داشته‌اند، تشکر می‌نمایم.

این رساله در حقیقت ارایه تکلیف درسی است در محضر این بزرگواران، اگر دارای محاسنی و نورانیاتی است، بی‌گمان از آن حضرت آنان است و اگر ناپختگی در آن دیده می‌شود، متوجه ناتوانی این شاگرد طالب علم می‌باشد.

در پایان بر خود واجب می‌دانم از تمام عزیزانی که در مدت تحصیل، بنده را یاری نموده‌اند از جمله: جناب ماموستا ملا حسین مجیدی، جناب آقایان سعدالله مجیدی، ناطق مجیدی، علی مجیدی، مصلح علی‌ا قدم، ناصر زارع‌دوست و خواهران عزیزم سرکار خانمهای اشرف و اکرم مجیدی و پریا فرجی کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

مادح علی‌ا قدم

بهمن ۱۳۹۲

## علايم اختصاری

علامت	شرح
بدون تاریخ	بی تا
ترجیع بند	ت
جلد	ج
نوبت چاپ	چ
رباعی	ر
شماره	ش
صفحه	ص
صفحات	صص
قصیده	ق
میلادی	م
نگاه کنید به	نک
هجری قمری	ه. ق
هجری شمسی	ه. ش

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یک	چکیده .....
	<b>فصل اول: مقدمه و بیان مسأله</b> .....
۱	۱-۱: مقدمه و بیان مسأله .....
۲	۲-۱: سؤالات تحقیق .....
۲	۳-۱: روش و ابزار تحقیق .....
۳	۴-۱: اهمیت و ضرورت تحقیق .....
۴	۵-۱: اهداف تحقیق .....
۴	۶-۱: پیشینه تحقیق .....
۵	۷-۱: اجزای تحقیق .....
۶	<b>فصل دوم: کلیات</b> .....
۷	<b>بخش اول: زندگانی مولانا و آثار او</b> .....
۷	۱-۲: مختصری از زندگی مولانا .....
۹	۲-۲: آثار مولانا .....
۱۲	۳-۲: تفاوت مثنوی و غزلیات شمس .....
۱۴	<b>بخش دوم: تعاریف</b> .....
۱۴	۴-۲: معنی لغوی و اصطلاحی رمز یا نماد .....
۱۵	۵-۲: خاستگاه نماد، نماد در روانکاوی .....
۱۶	۶-۲: کارکرد زبان نمادین .....
۱۸	۷-۲: شعر و رمز .....
۲۰	۸-۲: مولانا و نماد .....
۲۲	۹-۲: نماد و صور خیال .....
۲۳	۱۰-۲: تمثیل .....
۲۵	۱۱-۲: عناصر اربعه .....
۲۶	۱۲-۲: پدری آسمان و مادری زمین: .....
۲۷	۱۳-۲: منشأ اعتقاد به عناصر اربعه و کیفیت حضور آن در تمدن اسلامی .....
۲۸	۱۴-۲: ضدیت عناصر اربعه .....
۲۹	۱۵-۲: عناصر اربعه در شعر فارسی .....
۳۲	<b>فصل سوم: آب</b> .....
۳۳	۱-۳: مقدمه .....

۳۴	۲-۳: تقدیس آب
۳۶	۳-۳: آفرینش آب
۳۷	۴-۳: آزمون (وَر) آب
۳۸	۵-۳: آب و خرد
۳۸	۶-۳: اهریمن ستیزی آب
۳۹	۷-۳: آب در اسلام
۴۲	۸-۳: کاربردهای نمادین آب
۴۳	۹-۳: گفتاری پیرامون معانی رمزی آب و دایره واژگانی آن در شعر مولانا
۵۸	۱۰-۳: صفات آب
۶۱	۱۱-۳: نگاه مولانا به دریا و عناصر واژگانی آن
۶۴	۱۲-۳: معانی و کارکردهای دریا در شعر مولانا
۷۷	۱۳-۳: صفات دریا
۷۹	۱۴-۳: دایره واژگانی آب و دریا و معانی آنها در کلام مولانا
۹۰	<b>فصل چهارم: آتش</b>
۹۱	۱-۴: مقدمه
۹۳	۲-۴: اهمیت و تقدس آتش
۹۴	۳-۴: فواید آتش
۹۵	۴-۴: ستایش آتش در اوستا
۹۶	۵-۴: انواع آتش در اوستا
۹۶	۶-۴: آتش در میان ملت‌های مختلف
۹۹	۷-۴: علت سو و قبله نمودن آتش در دین زردشت
۱۰۰	۸-۴: جنبه‌های نمادین آتش
۱۰۴	۹-۴: آزمون آتش (وَر آتش)
۱۰۹	۱۰-۴: عبور از آتش جهنم
۱۱۰	۱۱-۴: آتش در عرفان اسلامی
۱۱۲	۱۲-۴: آتش در شعر مولانا
۱۱۹	۱۳-۴: آتش‌دان رمز عالم غیب و عالم جان
۱۲۰	۱۴-۴: نار
۱۲۷	۱۷-۴: تقابل نار و نور
۱۲۸	<b>فصل پنجم: باد</b>
۱۲۹	۱-۵: مقدمه
۱۳۰	۲-۵: باد در میان آریاییان قدیم

۱۳۰	۳-۵: باد نماد نیروی نامرئی جان در آفرینش
۱۳۱	۴-۵: طوفان، سویه هراس انگیز و مخرب نمادینگی باد
۱۳۴	۵-۵: پدیده باد در قرآن
۱۳۶	۶-۵: باد در شعر شاعران پارسی گوی
۱۴۰	۷-۵: باد در مثنوی معنوی
۱۴۶	۸-۵: رمز و نماد باد در کلیات شمس
۱۵۲	۹-۵: باد بهار
۱۵۳	۱۰-۵: ویژگیهای دیگر باد در کلیات شمس
۱۵۵	<b>فصل ششم: خاک</b>
۱۵۶	۱-۶: مقدمه
۱۵۸	۲-۶: خاک، آخشیچ پست و ماده اولیه خلقت انسان
۱۵۹	۳-۶: مرگ و نابودی سویه دیگر نمادینگی خاک
۱۶۰	۴-۶: خاک و اهمیت آن در فرهنگ و ادب اسلامی
۱۶۱	۵-۶: داستان آفرینش جسم انسان از خاک در مثنوی
۱۶۳	۶-۶: خاک و آتش - آدم و ابلیس
۱۶۴	۷-۶: خاک در ادبیات فارسی
۱۶۷	۸-۶: معانی رمزی خاک در شعر مولانا
۱۷۱	<b>نتیجه گیری:</b>
۱۷۳	<b>فهرست منابع</b>
	<b>Abstract</b>



## چکیده

عناصر اربعه (آب، باد، خاک، آتش) به دلیل نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری که در جوامع بشری و فرهنگهای مختلف داشته‌اند، از دیرباز در میان تمامی اقوام و ملتها به خصوص ایرانیان، مورد توجه جدی بوده و در باورها، اسطوره‌ها، آیینها و ادیان مختلف جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده‌اند. همین نقش ویژه و تأثیر گذار باعث شده است تا شاعران و نویسندگان ایرانی، توجه خاصی به این عناصر بسیار سودمند و فرهنگ ساز مبذول داشته و در اشعار و آثار خود به تصویرسازی و مضمون پردازی با این عناصر بپردازند.

علاقه مولانا به طبیعت و عناصر چهارگانه، جلوه‌ای خاص در شعر او دارد. ورود به دریای خروشان شعر مولانا و سیر در آن جز با شناخت عمیق معانی نهفته در اشعار او امکان پذیر نمی‌باشد، از این رو چشم پوشی از معانی باطنی اشعار مولانا و آشکار نساختن مُراد این عارف والامقام از چرایی مضمون پردازیهای دلنشین با استفاده از این عناصر، کار ادراک و فهم سخن وی را عقیم می‌گذارد.

این تحقیق تلاشی است برای بررسی عناصر اربعه در شعر مولانا و در آن سعی شده است تا رویکرد مولانا نسبت به این عناصر و معانی رمزی آنها مورد واکاوی قرار گیرد. نتیجه تحقیق این است که نماد پردازی این عناصر در شعر مولانا در مقایسه با شاعران دیگر به میزان بسیار زیادی ارتقا یافته است و تشخیص و منزلتی که مولانا به این واژگان داده است، در نوع خود کم‌نظیر است و این عارف نامی این عناصر را به شیوه‌ای منحصر به فرد تفسیر عرفانی کرده است.

**کلید واژه‌ها:** عناصر اربعه، آب، باد، آتش، خاک، مولانا.

**فصل اول:**

**مقدمه و بیان مسأله**

## ۱-۱: مقدمه و بیان مسأله

طبیعت از دیرباز مام خیال و میدانی فراخ برای جولان ابداعات و ظرافتهای اهل شعر و ادب و هنر بوده است و در گستره شعر، مظاهر همیشگی و متنوع آن به عنوان عنصری جاوید، ثابت و صاحب اقبال در همه ادوار و سبکها مورد توجه قرار گرفته است.

مفاهیم بسیاری وجود دارند که ورای فهم انسانی هستند و انسانها برای بیان آنها از صور و زبانهای نمادین استفاده می‌کنند؛ به همین دلیل زبان عرفا نمادین است و عرفا برای بیان اندیشه‌های خویش از زبانی نمادین استفاده می‌کنند. نمادگرایی یکی از ویژگیهای برجسته مولانا است؛ اگرچه مولانا برای فهم عامه نمادهای خویش را توضیح می‌دهد و از داستانهای رمزگشایی می‌کند ولی می‌داند آنچه می‌گوید حقیقت نیست و مردم عامه «دمساز» او نیستند. آشنایی با نظام رمز شناختی و کشف و فهم رمزهای متن، از لوازم و مقدمات دریافت حالات و هیجانان و ادراکات آفریننده متن است و بدون دریافت معانی این رمزها نمی‌توان به مراد و مقصود پدیدآورنده متن پی برد.

در آثار مولانا می‌توان به چند کلید واژه مهم اشاره کرد که در واقع بخشی از بن مایه‌ها و درون مایه‌های فکری و روحانی مولانا را تبلور می‌بخشند. عناصر اربعه (آب، آتش، باد و خاک) واژه‌هایی هستند که به کرات و در قالب تعبیرات و مضامین مختلفی در کلام مولانا مجال ظهور یافته‌اند. مولانا از این واژه‌ها بهره‌ها برده و آنها را به شکل نماد و حتی کلان نمادها مضمون قرار داده است و با استفاده از این واژه‌ها و مترادفات آنها عمیق‌ترین مفاهیم عرفانی را به تصویر می‌کشد و بهترین و ژرف‌ترین اندیشه‌های روان خویش را از طریق این کانال در ذهن سیال مخاطبان جاری و ساری می‌سازد. عناصر اربعه به سبب بساطت و اطلاقتشان قابلیت و ظرفیت رمزی بسیاری دارند. بدین دلیل در حوزه رمز و مطالعات رمز شناختی حایز اهمیت‌اند. شناخت رمزهای کلیدی و پر بسامد آثار مولانا در اندیشه‌شناسی او جایگاه مهمی دارد.

توجه به بسامد بالای بعضی رمزها و کشف ارتباط زنجیره‌ای بین آنها در نزدیک شدن به نظام ذهنی شاعر و فهم معانی رمزهای او بسیار اهمیت دارد. هدف این پایان‌نامه این است که با آوردن نمونه‌هایی از مثنوی و کلیات شمس، کارکرد عناصر اربعه را در زبان عارف بزرگی همچون مولانا نشان دهد.

#### ۱-۲: سؤالات تحقیق

۱- عناصر اربعه چه ویژگیها و کارکردهایی در اساطیر و باورهای ایرانیان دارند و چرا قدمای ما به وجود چهار عنصر سازنده برای تشکیل جهان معتقد بودند؟ آیا آنان برآستی نمی‌توانستند وجود عناصر دیگر را در طبیعت ببینند؟

۲- نماد چیست و نکات مشترک وجه تمایز آن با صور خیال چیست؟

۳- نماد پردازی عناصر اربعه در شعر مولانا به چه میزانی ارتقا یافته است؟

۴- کارکرد عناصر اربعه در شعر مولانا چیست؟ مولانا هر یک از این عناصر را چگونه تفسیر عرفانی کرده است؟

#### ۱-۳: روش و ابزار تحقیق

روش تحقیق بیشتر کیفی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات نیز به صورت توصیفی مورد بازبینی و بررسی قرار گرفته است. نوع مطالعه به صورت کتابخانه‌ای و استقرایی صورت گرفته است. فیش برداری و تهیه کتب و مقالات مختلف، ابزار تحقیق حاضر محسوب می‌شود که سعی شده است موارد مهم در آن مورد توجه باشد.

بعد از طرح موضوع نگارنده در پی یافتن منابع مختلف، اعم از کتاب و مقاله‌ها و نظایر آن برآمد و بعد از منبع‌یابی - فهرستی فرضی از موضوع را در مخیله‌ی خود به تصویر کشید، تا کار اولیه‌ی خود را بر آن بنا نهد. در مرحله‌ی بعد به خواندن و درک مطلب از منابع مورد نظر که ارتباطی با موضوع مورد بحث داشتند پرداخت و مطالب مورد نیاز و ضروری را در فیشهایی که قبلاً تهیه دیده بود، درج نمود. این برداشت مطالب گاه به صورت نقل قول مستقیم و گاه غیرمستقیم بود که در صورت لزوم تحلیلهایی نیز به صورت جداگانه در فیشهایی جداگانه درج شده‌اند. در مرحله‌ی بعد به خواندن مثنوی و کلیات شمس پرداخته و هر یک از واژگان آب، آتش، باد و خاک و مترادفات آنها و واژه‌هایی که به نوعی با آنها رابطه داشته‌اند مشخص شد و با مراجعه به کتابهای مختلف شرح ابیات مولانا و استفاده از راهنماییهای استاد عزیز دکتر قلی‌زاده منظور و مراد مولانا از بکار بردن این

واژه‌ها استخراج شد و هر یک در فیشهای جداگانه‌ای درج شدند. فیشها مطابق فهرست فرضی تقسیم شد و در پوشه‌هایی به مجزاً نگهداری شدند که البته بعدها در خلال کار فهرست فرضی به فهرست اصلی و موضوعی بدل شدند و سازمان‌دهی فیشها و تنظیم فصلها را آسان نمود، در نهایت با توجه به فیشهای حاصل از مطالعه کتابها و مقاله‌های مختلف و تعیین موضوعات اصلی و فرعی در فهرست، پیکره اصلی تحقیق نظام‌مندی و سازمان‌دهی گردید.

#### ۱-۴: اهمیت و ضرورت تحقیق

مولوی از شاعران صاحب اندیشه و اهل دلی است که محتواها و درون‌مایه‌های عرفانی او پرده از بسیاری از حقایق انسانی برداشته و از نظر شعری واجد جایگاه رفیعی است. او نه تنها در عرفان و تصوف بلکه در اندیشه‌های دینی و انسانی هم یک استثنا است. استثنایی بودن او از این بابت است که هر کس با هر اندیشه، با هر زمینه و با هر نوع فکری، به سراغ او برود، به اندازه طلب و نیازش از این اقیانوس ژرف و عمیق، و در عین حال بسیار موج‌پرخروش می‌تواند بهره‌های لازم را بدست آورد؛ مولانا بسان چشمه جوشانی است که از بالا و به مدد خداوند و وحی و مفاهیم باطنی، هر لحظه در حال غلیان و جوشیدن است و این جوشش چنان پایا و پویاست که هشت قرن از جوشش باز نایستاده و خورندگان و نوشندگان را سیراب ساخته و هرگز مائده‌ای تکراری از آن نوع که کهنه و غیر قابل خوردن باشد به کسی نداده است. و این بزرگترین هنر این ولی خدا و عارف بزرگ و بی‌بدیل است.

علاقه مولانا به طبیعت در سخن او جلوه خاصی دارد و او در شعرهای خود رنگها و نیرنگهای جهان را می‌شکافد و کارگاه عدم را رنگ‌آمیزی می‌کند. در این میان عناصر چهارگانه آب، آتش، باد و خاک و متفرعات آنها از زمره واژگانی محسوب می‌شوند که در آثار مولانا از بسامد بالایی برخوردارند. از همین رو قدر مسلم توجه به این واژگان و نحوه نگرش مولانا به آن را در اندیشه هر پژوهشگری برجسته می‌نماید. علاوه بر این تفاوت گسترده این واژگان در کلام مولانا نسبت به بزرگانی چون حافظ و سعدی نیز، دلیل عمده‌ای می‌تواند باشد که ذهنها را به خود مشغول دارد. به دیگر سخن، تشخیص و منزلتی که مولانا به این واژگان داده است در نوع خود کم‌نظیر است. پس اهمیت تحقیق یکی در رابطه با توانمندیهای مولانا است، تا مشخص گردد که او چگونه واژه‌ای را به بالاترین سطح خود می‌رساند؟ و دیگر این که عناصر چهارگانه و دیگر واژگان چه نقشی را در کلام و تخیل و عرفان مولانا بازی می‌کنند؟

## ۱-۵: اهداف تحقیق

### ۱-۵-۱: هدف کلی تحقیق

هدف کلی تحقیق بررسی جلوه‌های عناصر چهارگانه و دایره‌ واژگانی آن در آثار مولانا است.

### ۱-۵-۲: اهداف جزئی تحقیق

- بررسی استعمال و کاربرد عناصر اربعه و سایر واژه‌های این مجموعه در شعر مولانا در راستای ترسیم منظومه‌ی خیالی مولانا در این حوزه.
- استفاده از عناصر اربعه و سایر واژه‌های این مجموعه جهت انتقال مسایل و بحثهای عرفانی برای عروج و تعالی روح بشریت.
- میزان گستردگی و حوزه معنایی این واژگان در کلام مولانا.
- ایفای نقش عناصر اربعه و دایره‌ واژگانی آنها در آرایه‌هایی چون تمثیل، نماد، رمز و صور خیال دیگر در شعر مولانا.

### ۱-۵-۳: اهداف کاربردی تحقیق

این تحقیق اگر چه در حوزه رشته زبان و ادبیات فارسی مطرح شده است، اما به دلیل وجود مباحث عرفانی و آموزه‌های عمیق آن که بیشتر با مفاهیم فلسفی پهلو می‌زند، می‌تواند در حوزه‌های فلسفی و عرفانی نیز قابل طرح باشد. این موضوع وسعت و دامنه موضوعی عناصر اربعه را در اندیشه مولانا به تصویر می‌کشد و دانشجویان رشته‌های مذکور را در شناخت هر چه بیشتر مولانا یاری می‌دهد. دامنه این موضوع می‌تواند گسترده‌تر و در طیفی وسیع‌تر بررسی گردد.

### ۱-۶: پیشینه تحقیق

در مورد عناصر اربعه تا اکنون کتابی مستقل به طبع نرسیده است و فقط در فرهنگها و کتابهای فلسفی در مورد این عناصر، سخن به میان آمده است. ولی در مورد هر کدام از این عناصر (آب، آتش، باد، و خاک) در شعر شاعران دیگر بصورت جدا مقالاتی نوشته شده است که در تهیه این رساله سودمند واقع شدند از جمله: « بازتاب اسطوره‌ها و باورهای کهن پیرامون آب در شعر خاقانی» از مهدخت پور خالقی چترودی و علی محمودی - « مقایسه کاربرد نمادین آب در غزلیات عرفانی عطار و مولانا» از محمد امیر عبیدی‌نیا و شریفه ولی نژاد- « بازتاب آب در فرهنگ مردم ایران » از

فاطمه شعبانی اصل - «تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نموده‌های آن در شاهنامه فردوسی...» از قائمی، قوام و یاحقی - «کهن الگوی ماهی و دریا در اندیشه مولانا» از زهرا خدایاری و داود اسپرهم - «آتش عشق از دیدگاه مولانا» از نصر... امامی - نمادینگی آتش و بازتاب آن در متون اساطیری و حماسی ایران « از مهوش واحد دوست - «آزمون آتش» از محمد رضا صرفی - «باد در دیوان حافظ» از حسن نصیری جامی - «خاک و اهمیت آن در فرهنگ و ادب اسلامی» از محمود خسروانی.

ارزشمندترین کتابی که در آن به معانی و مفاهیم رمزی این عناصر در شعر مولانا پرداخته است کتاب «فرهنگنامه رمزهای غزلیات مولانا» نوشته استاد فرهیخته، دکتر رحمان مشتاق مهر است که مفیدترین منبع برای نگارنده در نوشتن این رساله بود.

#### ۱-۷: اجزای تحقیق

نگارنده در این تحقیق، مطالب را در شش فصل سامان‌دهی و نظم و ترتیب داده است. در فصل اول مقدمه و بیان مسأله و چرایی پرداختن به موضوع تبیین شده است. فصل دوم مربوط به کلیات و تعاریف تحقیق مورد نظر است و در آن سعی شده است که مواردی که به فهم و درک بیشتر موضوع کمک می‌کنند به طور کامل گنجانده شود. و در فصلهای بعدی تلاش شده است که هر یک از چهار عنصر: آب، آتش، باد و خاک به طور جداگانه و از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد.

**فصل دوم:**

**کلیات**



## بخش اول : زندگانی مولانا و آثار او

### ۱-۲: مختصری از زندگی مولانا

نام او محمد لقب او جلال‌الدین و همه مورخان او را به این نام و لقب شناخته‌اند. علاوه بر لقب جلال‌الدین، پدر گرامی او به سبب دوستی و بزرگی، او را «خداوندگار» می‌خواند. بدین سان، لقب خداوندگار گفته بهاء ولد است. به گفته زرین‌کوب «خداوندگار برای بهاء ولد تجسم جمیع شادیه‌ها و آرزوها بود» (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۱۶). که همین مطلب می‌تواند بیانگر یک نوع رابطه معنوی و عاطفی خاصی بین آن پدر و پسر باشد که در نوع خود بی‌همال است. مولوی به رغم این که به مولای روم یا مولانای روم مشهور است، مولدش شهر بلخ و ولادت مبارکش در ششم ربیع‌الاول سنه ۶۰۴ ه. ق اتفاق افتاده است. علت شهرتش به رومی، طول اقامتش در شهر قوینه که مسکن و محل دفنش نیز در آنجاست، بوده است. مولانا در فضای خانه کاملاً روحانی، دیده به جهان گشود و از همان دوران کودکی شیفته خلوت‌نشینیهای پدر با الله و انس با معشوق ازلی شده بود. «خداوندگار خردسال بارها دیده بود که ایستاده الله الله می‌گفت، چون خسته می‌شد دهانش باز می‌ماند اما از درونش هم‌چنان صدای الله الله به گوش می‌رسید، در واقع برای بهاء ولد هر چه در اطراف روی می‌داد «فضل الله و کرده الله» بود» (زرین‌کوب، ۱۳۷۷: ۷).

چنین اندیشه‌های پاک و والا و چنان محیط روحانی و آکنده از بوی الله طبعاً بر مولانای خردسال نیز اثر می‌گذاشت و او را مجذوب الله می‌کرد.

پدر مولانا محمد بن حسین خطیبی است که به بهاء ولد معروف است و او را سلطان‌العلماء لقب داده‌اند. جدش حسین بن احمد خطیبی است که یکی از افاضل روزگار و علامه زمان بوده و مادرش از خانواده خوارزمشاهیان است. به روایات تذکره‌نویسان بهاء ولد به واسطه رنجش خاطر خوارزمشاه ناچار، هجرت اختیار کرده اول به بغداد، بعدها به قونیه رفته و در آنجا ساکن شده است. علت این رنجش و مهاجرت را چنین نوشته‌اند که بهاء ولد در سر منبر به حکما و فلاسفه بد می‌گفت و آنان را مبتدع می‌خواند و این خود بر فخر رازی که استاد خوارزمشاه و سرآمد و امام حکما بود، گران می‌آمد و خوارزمشاه را به دشمنی بهاء ولد بر می‌انگیخت.

چون بهاء ولد دار فانی را وداع گفت، مولانا که در آن هنگام بیست و چهارمین مرحله زندگی را می‌پیمود و به وصیت پدر و خواهش سلطان علاءالدین بر جای پدر نشست و بساط و عظمی بگسترده و شغل فتوی و تذکیر را به رونق آورد و رایت شریعت برافراشت و یک سال تمام دور از طریقت، مفتی شریعت بود، تا برهان‌الدین محقق ترمذی به او پیوست و پس از طی مقامات از خدمت برهان محقق ترمذی اجازه ارشاد یافت. مولانا در مجلس بحث و نظر، فصل و حجت می‌نمود و سروکارش با مردم بود و مورد احترام. ناگهان آفتاب عشق شمس حقیقت، پرتوی بر جان پاک او افکند و چنانش تافته و تابناک ساخت که چشمها از نورش خیره گردید.

شمس‌الدین محمدبن علی بن ملکداد از مردم تبریز و از خاندانی اهل علم و فضیلت بود. شمس‌الدین روز شنبه بیست و ششم جمادی‌الآخر سال ۶۴۲ قمری به قونیه وارد شد، چگونگی دیدار وی را با مولانا با اختلاف نوشته‌اند. مطابق روایات سلطان ولد پسر مولانا، عشق مولانا به شمس مانند جستجوی موسی است از خضر که با وجود داشتن مقام نبوت و رسالت و رتبه کلیم الهی باز هم مردان خدا را طلب می‌کرد.

مولانا نیز با همه کمال در طلب اکملی، روز می‌گذراند تا اینکه شمس را بدست آورد و مرید وی شد و سر در قدمش نهاد و یکباره در انوار او فانی گردید.

وفات مولوی روز یکشنبه پنجم جمادی‌الآخر ۶۷۲ قمری اتفاق افتاد و اهل قونیه را چه بزرگ و چه کوچک چه عیسوی و چه یهودی داغدار کرد. جنازه مولوی را با احترام برگرفتند و در نزدیکی قبر پدرش مدفون گردید (فروزانفر، ۱۳۷۳: ۱۳-۹).

## ۲-۲: آثار مولانا

آثار مکتوب مولانا را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: ۱- آثار منشور ۲- آثار منظوم

### ۲-۲-۱: آثار منشور

#### ۲-۲-۱-۱: مجالس سبعه

همانگونه که از نامش پیداست، این کتاب شامل هفت مجلسی است که مولانا در آن به وعظ پرداخته است که یادگاری از دوران وعظ بر منبر می‌باشد. این هفت گفتار که از زبان مولانا بر روی منبر وعظ ایراد شده به «مجالس سبعه» شهرت یافته است. هر گفتار با حمد خداوند و توصیف فضایل پیامبر (ص) و اصحاب آن حضرت شروع می‌شود و پس از مناجات به درگاه حق، آیات و احادیثی را نقل کرده و به تفسیر و توضیح آنها می‌پردازد، و در خلال گفتار خویش از شعر شاعران دیگر بهره می‌برد و حکایاتی را نیز نقل می‌کند.

#### ۲-۲-۱-۲: فیه ما فیه

فیه ما فیه حاصل سخنانی است که مولانا در جمع یاران خود در مجالس انس تقریر کرده است. این سخنان توسط مریدان مولانا به تحریر درآمده است، و احتمال می‌رود که پس از فوت مولانا تدوین شده باشد. هر فصل از کتاب حاکی از یک مجلس است. حال آنکه برخی از فصلها نظیر فصل ۱۱ و ۴۴ زیاد هستند و هر کدام ده صفحه را شامل می‌شوند و برخی نیز چون فصل ۵۸ و ۷۱ که هر یک چند سطر بیشتر نیستند. گاه داستانها و حکایاتی را که در مثنوی آمده است، در این مجالس توسط مولانا مطرح شده و با زبانی ساده توضیح داده است (کیانی، ۱۳۸۶: ۶۵) و این نشان از آن دارد که مولانا در خلال سُرایش مثنوی، گاه مجالس انسی هم با مریدان داشته است.

#### ۲-۲-۱-۳: مکتوبات

مکتوبات حاوی ۱۵۰ نامه از مولانا است که آن را در زمانهای مختلف و به مناسبت به اسیران، بزرگان، تجّار، اشراف، بستگان و عزیزان خویش نوشته است. این نامه‌ها بعدها با عنوان مکتوبات، تدوین و چاپ شد.

مولانا در بیشتر اوقات برای حل مشکلات دوستان و آشنایان خویش به بزرگان و امیران نامه-هایی می‌نوشت. گاه نیز جهت سفارش و تأدیبات بستگان خویش دست به قلم می‌شد. برای مثال می‌توان به نامه مولانا به پسرش سلطان ولد اشاره کرد که در آن مولانا فرزندش را به رعایت حال فاطمه خاتون - دختر صلاح‌الدین زرکوب - سفارش می‌کند. از طریق خواندن مکتوبات مولانا می‌توان به رابطه‌ی او با بزرگان عصر و هم‌چنین به خصوصیات زندگی او و بستگانش پی برد (همان: ۶۶).

## ۲-۲-۲: آثار منظوم مولانا

### ۲-۲-۲-۱: مثنوی معنوی

مهمترین اثر منظوم مولانا، که در شش دفتر، حدود ۲۶۰۰۰ بیت می‌باشد. این کتاب شامل مسائل مهم عرفانی و دینی و اخلاقی بوده و همه مبانی و مسائل سیاسی تصوف و عرفان تا مراحل کمال عارف در آن مطرح شده است.

این کتاب ارزشمند، شاهکار فکر و اندیشه و اعتقاد مولانا است که عقاید صوفیانه در آن به زبانی نسبتاً ساده و روان بیان شده است. مثنوی مولوی دریایی از معارف عرفانی است، گنجینه‌ای ارزشمند از داستانها و امثال و حکم و اندوخته‌ای سرشار از فرهنگ عامه‌ی ایرانی به شمار می‌آید.

«کتاب مثنوی معنوی که خود مولوی گاه آن را صیقل ارواح می‌خواند و دوستدارانش بی آنکه مبالغه کرده باشند، بدان قرآن فارسی نام نهاده‌اند، مجموعه‌ای است که از تفسیر آیات قرآن و تعبیر احادیث و اخبار و حاوی معلومات عمیق درباره‌ی ادیان گوناگون بخصوص عقاید صوفیانه، همراه با امثال و حکایات و قصه‌ها و داستانها و در هر حال بحری است انباشته از گوهرهای گرانبهای علم و ادب و هنر، آنقدر که در وصف ننگند ... اگر بخواهیم عقاید مولوی را در باب زندگی و مذهب مطالعه کنیم، غزلهایش ما را به جایی نمی‌رساند، برای رسیدن به این هدف باید به مثنوی او روی آورد، مولوی در تدوین مثنوی قصد اندرزگویی و تعلیم داشته و می‌خواسته است راه وصول به خداوند را به بشر بیاموزد، مولوی به طور کلی به مسائلی از قبیل حیات مذهبی روح و اشتیاق آن به وحدت با حق و تأمل در وجود خدا در حال جذب می‌پردازد» (خلیفه عبدالحکیم، ۱۳۷۵: ۱۲).

«مثنوی از جهت اشمال بر معارف اسلامی دریایی است مواج و از لحاظ شعری در حد کمال؛ چه آنکه عالی‌ترین مطالب ناشی از گرمی دم و نفس روح‌بخش آن بزرگ بی‌همتا که ظلّ نفس رحمانی است از عالم معنا به عالم صورت تنزل کرده است. مولانا در مثنوی معنوی، از مطلبی نازل به حقیقتی متوسط یا عالی و در نظر برخی، از مقوله‌ای قابل درک همگان به ملکوت و از ملکوت به جبروت و لاهوت صعود می‌کند و هنگامی که به گرمی و حرارت ناشی از عشق الهی به ذکر حقایق